

مؤلفه‌های عشق مصاحبتی از دیدگاه قرآن

سمیه آقامحمدی^۱، زهره قدرتی اصفهانی^۲، مصطفی خانزاده^۳

۱. دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی فیض الاسلام، خمینی شهر، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. کارشناسی ارشد الهیات از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد مشاوره خانواده از دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی فیض الاسلام، خمینی شهر، اصفهان، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۱، صفحات ۷۲-۶۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

چکیده

در روانشناسی صمیمیت، آرامش و اعتماد را از ارکان عشق مصاحبتی به‌عنوان سالم‌ترین نوع عشق دانسته، و آن را به حس عمیق دوستی و لذت بردن از فعالیت‌های مشترک، داشتن منافع مشترک و به اشتراک گذاشتن زمان‌های شادی تعریف نموده‌اند. در قرآن کریم به‌عنوان راهنمای اساسی زندگی بشر، ویژگی‌هایی برای سلامت زندگی زناشویی مطرح شده است که با تعریف عشق مصاحبتی قابل قیاس است. پژوهش حاضر در نظر دارد از طریق بررسی آیات قرآن پیرامون زندگی زناشویی و تطبیق آن با یافته‌های روانشناسی در رابطه با عشق مصاحبتی، ویژگی‌های این نوع عشق و جایگاه آن در زندگی زناشویی را از منظر اسلام تبیین نماید. در این راستا نکات قرآنی به‌صورت تحلیل محتوای مفهومی آیات قرآن از دو پایان‌نامه بانام‌های «اصول مدیریت خانواده از منظر دانش مشاوره و اسلام» و «مهارت‌های ارتباطی در قرآن و روانشناسی» و برخی از تفاسیر به‌ویژه تفسیر المیزان گردآوری شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که عشق مصاحبتی به‌عنوان والاترین نوع رابطه‌ی همسران که منشأ رضایت زوجین است در قالب توصیه‌هایی در آموزه‌های اسلامی مطرح گردیده است.

کلیدواژه: عشق مصاحبتی، ازدواج سالم، قرآن.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره هفتم، شماره پنجاه و پنجم، سال ۱۴۰۱

مقدمه

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که والاترین نوع عشق، برای پایداری خانواده و افزایش کیفیت رابطه‌ی زناشویی عشق مصاحبتی است (برشاید، ۲۰۱۰؛ آقامحمدی، ۱۳۹۵؛ ارشدی و آقامحمدی، ۱۳۹۵). اسپریچر و ریگان (۱۹۹۸) معتقدند که ماهیت عشق مصاحبتی به گونه‌ایست که موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود. به این دلیل که افراد دارای عشق مصاحبتی، تلاش‌های هدفمندی در جهت بهبود روابط زناشویی می‌کنند. به عنوان نمونه، آن‌ها بیان کردند که افراد دارای این نوع عشق، به دلیل احترام متقابل که برای شریک عشقی خود قائل هستند، با او مشارکت فعالی در امور زندگی دارند، با تعدیل نظرات خود سعی در رسیدن به توافق با همسر خویش دارند و در مواقع خطا، به امید بهبود رابطه‌ی زناشویی، همسر خویش را می‌بخشند. این گونه رفتارها موجب می‌شود که کیفیت و رضایت از رابطه‌ی زناشویی افزایش یابد.

قرآن کریم به عنوان راهنمای اساسی زندگی بشر، در مورد کیفیت رابطه‌ی زناشویی و نوع این رابطه، آموزه‌های مهمی دارد که همه‌ی آن‌ها در جهت افزایش کیفیت رابطه‌ی زناشویی و ارتقاء سطح سلامت خانواده است؛ گرچه آموزه‌های قرآن بسیار وسیع‌تر از مفهوم‌سازی‌های انسانی است، با این حال، برخی از ویژگی‌های مطرح‌شده در قرآن کریم، قابل قیاس با ویژگی‌های عشق مصاحبتی از دیدگاه برشاید (۲۰۱۰) است. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر جستجوی ویژگی‌های این نوع عشق در آموزه‌های قرآن بر اساس تعریف مفهومی عشق مصاحبتی است.

برای دستیابی به این هدف، آیاتی از قرآن که بازنگری زوجی و خانوادگی مرتبط بوده‌اند، بر اساس دو پایان‌نامه بانام‌های «اصول مدیریت خانواده از منظر دانش مشاوره و اسلام» و «مهارت‌های ارتباطی در قرآن و روان‌شناسی» و برخی از تفاسیر به‌ویژه تفسیر المیزان استخراج‌شده و از نظر محتوایی با استفاده از روش تحلیل محتوای مفهومی، مورد تحلیل قرار گرفتند.

در ادامه با تعریفی از عشق مصاحبتی و پس از آن ویژگی‌های این نوع عشق به صورت تطبیقی از روان‌شناسی و قرآن تبیین خواهد شد.

۱- تعریف عشق مصاحبتی

برخی از انسان‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی عشق را یک پدیده‌ی جهانی می‌دانند. آن‌ها معتقدند حداقل یکی از انواع عشق در تمام اعصار در تاریخ بشر وجود داشته است (هاتفیلد و راپسون^۱، ۲۰۰۲). همان‌طور که در دست‌نوشته‌های انسان‌های باستانی نیز مشهود است، عشق همیشه در ذهن بشر عامه بوده است. همچنان که در اذهان انسان‌های علمی وجود داشته، برای مثال افلاطون در حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد عشق را مطرح کرده است (واترفیلد^۲، ۲۰۰۱). مارستین^۳ (۱۹۸۸). پس از مطالعات خود، اعلام کرد که عشق یک پدیده‌ی واحد نیست بلکه انواع بسیاری عشق در افراد مختلف با شرکای عشقی مختلف در بافت‌های

^۱ - Hatfield & Rapson

^۲ - Waterfield

^۳ - Murstein

اجتماعی و فرهنگی مختلف و در موقعیت‌های مختلف قابل مشاهده است. بنابراین، حتی عشق یک فرد مشخص در موقعیت‌های فیزیولوژیکی مختلف، با افکار و انگیزه‌های مختلف، در بافت‌های متعدد به یک شریک خاص، متفاوت خواهد بود. فهر و راسل^۱ در سال ۱۹۹۱، در دو پژوهش مجزا انواع عشق را توسط دانشجویان نام‌گذاری و امتیازبندی کردند؛ یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد عشق مصاحبتی از نظر قابل احترام بودن و مقدس بودن بالاترین درجه را دریافت کرد. پس‌ازآن، فهر (۱۹۹۴) عنوان کرد که عشق مصاحبتی برای اکثر مردم معنای عشق دوستان به یکدیگر و انواع عشق خانوادگی (زن و شوهر، خواهر و برادر) را تداعی می‌کند.

در نهایت، برشاید در سال ۲۰۱۰ بر مبنای ۴۰ سال پژوهش در مورد عشق، سه نوع عشق خیال‌انگیز^۲، عشق مصاحبتی^۳ و عشق دلسوزانه^۴ را از هم جدا کرد. عشق خیال‌انگیز نام مستعار بسیاری از انواع عشق است، که در قالب تعریف عشق پرشور، عشق شهوانی، عشق اعتیادآور^۵ و عشق می‌گنجند (برشاید، ۲۰۱۰). عشق مصاحبتی به صورت دوست داشتن شدید، عشق دوستی، عشق برادرانه^۶، عشق زناشویی^۷ و عشق والدینی^۸ تعریف می‌شود و در نهایت، عشق دلسوزانه چندین نام مستعار دارد؛ عشق الهی^۹، عشق مراقبت‌کننده^{۱۰}، عشق از خود گذشته^{۱۱}، عشق ایثارگرانه^{۱۲}، عشق خالص^{۱۳}، عشق راستین^{۱۴} و عشق نوع دوستانه^{۱۵} (برشاید، ۲۰۱۰). گرات و فریز^{۱۶} (۱۹۹۴) عشق مصاحبتی را به صورت، عشق بر مبنای دوستی، عشق با آرامش و عشق همراه با اعتماد تعریف کرده‌اند که بر مبنای حس عمیق دوستی و لذت بردن از فعالیت‌های مشترک، منافع مشترک و به اشتراک گذاشتن زمان‌های شادی است. رایس و شیور^{۱۷} (۱۹۸۸) نیز صمیمیت را به صورت آگاهی از خصوصیات شریک عشقی، درک کامل او و برقراری ارتباط عاطفی همراه با نگرش‌های مثبت نسبت به شریک عشقی تعریف کرده‌اند؛ که مستلزم پذیرش کامل شریک عشقی در همه‌ی جنبه‌های منفی

^۱ - Fehr & Russell

^۲ - romantic love

^۳ - companionate love

^۴ - compassionate love

^۵ - addictive love

^۶ - philias

^۷ - conjugal

^۸ - storge

^۹ - agape

^{۱۰} - caregiving love

^{۱۱} - selfless

^{۱۲} - sacrificial love

^{۱۳} - pure love

^{۱۴} - true love

^{۱۵} - altruistic Love

^{۱۶} - Grote & Frieze

^{۱۷} - Reis & Shaver

است. این نظریه پردازان تأکید کرده اند که صمیمیت معمولاً به تدریج رشد می کند و در نقطه ای ثابت می ماند و منجر به ایجاد عشق مصاحبتی می شود. هاتفیلد و راپسون (۲۰۰۲) نیز عشق مصاحبتی را با حس تعلق، تعهد و صمیمیت به صورت، مهربانی نسبت به کسانی که زندگی مان به آن ها پیوند خورده است، تعریف کرده اند. اسپیریچر و ریگان^۱ (۱۹۹۸) در بحث راجع به انواع عشق بیان می کنند که شاید انگیزه و یا اجزای فیزیولوژیکی جنسی (به عنوان مثال، هیجان جنسی، انگیزتگی جنسی، میل جنسی) از ویژگی های مهم تجربه عشق رمانتیک باشند ولی احساسات جنسی ذهنی مربوط به نزدیکی، گرما، رضایت، و سازگاری (صمیمیت جنسی) بخش مهمی از تجربه عشق مصاحبتی هستند.

اولین شاخص تعریف گرات و فریز (۱۹۹۴) از عشق مصاحبتی، دوستی به معنای رفاقت و صمیمیت است. منظور از دوستی، یک رابطه ی دوستانه ی پایدار، طولانی مدت و متعهدانه که همراه با میزان زیادی صمیمیت است. لازمه ی رسیدن به این میزان صمیمیت، انجام فعالیت های مشترک و داشتن منافع مشترک با شریک عشقی است. برشاید این نوع عشق را بر اساس قوانین پاداش و تنبیه تبیین می کند و معتقد است این نوع عشق یک نوع دادوستد صمیمانه است (برشاید، ۲۰۱۰).

۲- بررسی تطبیقی ویژگی های عشق مصاحبتی از منظر قرآن و روان شناسی

برخی از ویژگی های مطرح شده در قرآن کریم، قابل قیاس با ویژگی های عشق مصاحبتی از دیدگاه برشاید (۲۰۱۰) است. در این قسمت سعی بر جستجوی ویژگی های این نوع عشق در آموزه های قرآن است.

۱-۲- صمیمیت

از آنجایی که در قرآن کریم صفات نیک خداوند به انسان نیز توصیه شده است، برای ارتقاء کیفیت روابط بین فردی (از جمله روابط والدین و فرزندان یا زن و شوهر) نیز صفاتی عنوان شده است که به صورت متعالی و در حد کمال در خداوند وجود دارد. برای مثال، خداوند با مخلوقات خود رابطه ای بر اساس مودت و رحمت دارد: «قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ...» (انعام: ۱۲)^۲؛ «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا...» (غافر: ۷)^۳.

بنابراین، اولین توصیه ی خداوند به بشر در روابط زناشویی، ارتباطات قلبی و دوستی میان زوجین است. ارتباط قلبی و دوستی ای که در متن قرآن آمده است معنای بسیار نزدیکی با واژه ی صمیمیت و رفاقت از دیدگاه روان شناسان متخصص عشق و تعریف مفهومی عشق مصاحبتی دارد. به عنوان مثال، در آیه ی ۲۱ سوره ی روم آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم: ۲۱)^۴.

^۱ - Sprecher & Regan

^۲ «بگو آنچه در آسمان ها و زمین است از آن کیست؟ بگو از آن خداوند است که بر خویش بخشایش را بر خویش مقرر داشته است».

^۳ «پروردگار ما! بخشایش و دانش تو همه چیز را فراگیر است».

^۴ «و از نشانه های او این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان شما دلبستگی پایدار و مهر پدید آورد؛ بی گمان در این، نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند».

«مودت» به معنای محبتی است که در مقام عمل ظاهر باشد. یعنی محبت عملی که در رفتار مشاهده شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۶۶). بر این اساس با اظهار محبت، مودت جاری می‌شود. در این آیه خداوند ایجاد مودت و رحمت بین زن و شوهر را از آیات خود برشمرده است. همان‌گونه که ذکر شد، در تعریف هاتفیلد و راپسون (۲۰۰۲) نیز مهربانی به همین معنا آورده شده است. برای «رحمت» نیز دو معنای عطوفت و دلسوزی، و بخشش به کار رفته است. (ابن منظور، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۲۳۰، ۲۳۱)؛ لذا اقتضای رحمت و مودت نمی‌تواند بیان نقاط منفی و ضعف‌های همسر باشد (بارباز اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). این تعریف معادل تعریف رایس و شیور (۱۹۸۸) از صمیمیت است؛ دیدن ویژگی‌های مثبت همسر و پذیرش ویژگی‌های منفی او.

از طرفی قرآن بر الفت و دوستی در روابط بین فردی به‌ویژه روابط زناشویی تاکید دارد: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۳).^۱

۲-۳- فعالیت مشارکتی

یکی دیگر از شاخص‌های صمیمیت در عشق مصاحبتی، لذت بردن از فعالیت‌های مشترک، منافع مشترک و به اشتراک گذاشتن زمان‌های شادی است (گرات و فریز، ۱۹۹۴). گرات و فریز (۱۹۹۴) لازمه‌ی این ویژگی را رابطه‌ی کلامی صحیح و دوستانه بین زوجین می‌دانند. خداوند نیز در قرآن کریم برای گفتگوی موثر در روابط بین فردی چندین شاخص معرفی کرده است. به‌عنوان مثال، گوش دادن به سخنان یکدیگر با دقت و مثبت‌نگری: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف: ۲۰۴)

همچنین، نرم و ملایم سخن گفتن: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)

به علاوه یکی از راه‌های انجام فعالیت‌های مشترک بین زن و شوهر از دیدگاه قرآن حفظ دارایی و اموال یکدیگر است: «... وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ...» (نساء: ۲۴).^۲

حفظ مال یکی دیگر از وظایف همسران است که هر چه صمیمیت آن‌ها بیشتر باشد در این خصوص کوشاترند و این خود نشانه صمیمیت زن و شوهر است یعنی رابطه‌ای دوطرفه بین این دو امر جریان دارد (بارباز اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

۲-۴- حل کردن مسائل زندگی به‌صورت مشترک

^۱ «و دل‌های آنان را با هم پیوستگی داد؛ اگر همه آنچه را در زمین است می‌بخشیدی میان دل‌های آنها پیوستگی نمی‌دادی اما خداوند ایشان را با هم پیوستگی داد؛ بی‌گمان او پیروزمندی فرزانه است».

^۲ «... و جز اینها برایتان حلال شده است که با دارایی خود به دست آورید در حالی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید، کابین آن زنان را که از آنان (با ازدواج غیر دائم) بهره‌مند شده‌اید به عنوان واجب پردازید و در آنچه پس از تعیین (کابین) واجب، هم‌داستان شوید بر شما گناهی نیست...».

شاخص دیگر عشق مصاحبتی در تعریف رفاقت، حل کردن مسائل زندگی به صورت مشترک است (گرات و فریز، ۱۹۹۴). قرآن کریم در دو دسته آیه به این موضوع پرداخته است؛ یکی مشورت و همفکری به طور عام، «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری: ۳۸) و دیگری مشورت و گفت‌وگو بین اعضای خانواده به طور خاص که نشان از اهمیت این رفتار در بهبود روابط زن و شوهر دارد؛

«... فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...» (بقره: ۲۳۳)؛ «... فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَ أَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاَسَرْتُم فِستَرَضِعْ لَهُ أُخْرَى». (طلاق: ۶)؛ «وَ إِنْ أَمْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أَحْضَرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ...» (نساء: ۱۲۸).^۳

۲-۵- صمیمیت جنسی

از جنبه‌ای دیگر به اعتقاد اسپریچر و همکاران (۱۹۹۸) صمیمیت جنسی به معنای احساسات ذهنی مربوط به نزدیکی، رضایت، و سازگاری بخش مهمی از تجربه‌ی عشق مصاحبتی هستند. خداوند نیز در قرآن کریم علاوه بر روابط جنسی زوجین، برای صمیمیت جسمی هم اهمیتی ویژه قائل است به طوری که ایجاد زمان اختصاصی برای روابط زناشویی به رسمیت شناخته شده است: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ... فَأَلَا تَنبَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ... وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا...» (بقره: ۱۸۷)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...» (نساء: ۴۳).^۵

به علاوه، وجود اوقات خصوصی برای تحکیم روابط زناشویی مهم و اساسی است و موجب هم‌صحبتی و در نتیجه افزایش محبت زوج نسبت به همدیگر و کسب آرامش می‌شود و بالعکس بی‌توجهی به آن غالباً موجب از هم پاشیدگی زندگی می‌گردد (بارباز اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۷۹).

^۱ «...پس اگر (پدر و مادر) با رضایت و رازنی با هم بازگرفتن (زودتر کودک) از شیر را خواستند، گناهی ندارند...».

^۲ «...و اگر برای شما (به نوزاد) شیر دهند مزدشان را بپردازید و میان خویش به شایستگی رازنی کنید و اگر (در توافق) دشواری دارید دیگری او را شیر دهد».

^۳ «و اگر زنی از کناره‌گیری یا رویگردانی شویش بیم دارد بر آن دو گناهی نیست که میان خود به سازشی شایسته برسند و سازش نیکوتر است و جان‌ها از آن در آستین دارند...».

^۴ «آمیزش با زنانان در شب روزه‌داری برای شما حلال شده است. آنها جامه‌ی شما و شما جامه‌ی آنها... اکنون (می‌توانید) با آنان آمیزش کنید و آنچه خداوند برای شما مقرر داشته است باز جوید، ... سپس روزه را تا شب به پایان رسانید و در حالی که در مسجدها اعتکاف کرده‌اید از آنان کام مجوید، اینها حدود خداوند است، به آنها نزدیک نشوید...».

^۵ «ای مؤمنان! در حال مستی به نماز رو نیاورید تا هنگامی که دریاپیچ چه می‌گویید و نیز در حال جنابت (به نماز و محل نماز رو نیاورید) مگر رهگذر باشید تا آنکه غسل کنید و اگر بیمار یا در سفر بودید و یا یکی از شما از جای قضای حاجت باز آمد یا با زنان آمیزش کردید و آب نیافتید به خاکی پاک تیمم کنید...».

^۶ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحِلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَھُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ ای مؤمنان! باید کسانی که بردگان شما باشند و نابالغان شما سه بار از شما رخصت بخواهند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که نیمروز لباس خود را در می‌آورید و پس از نماز عشاء که سه هنگام برهنگی و تنهایی شماست پس از آن بر شما و ایشان گناهی نیست (اگر از شما رخصت نگیرند) که گرد شما در گردشند و با یکدیگر به سر می‌برند...».

۲-۶- آرامش و امنیت عاطفی

دومین ویژگی عشق مصاحبتی از دیدگاه گرات و فریز (۱۹۹۴)، عشق با آرامش است. عشق با آرامش یعنی رسیدن به امنیت عاطفی و جدا شدن از هیجانات آتشین عشق خیال‌انگیز، در عین حال، لذت بردن از بودن با یکدیگر است. در قرآن کریم در رابطه با این موضوع آیاتی آمده است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته خواهد شد.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۱)؛ و «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّيْهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹).^۲

در این آیات سکونت به معنای آرامش و در تقابل با اضطراب است. بسیاری از تشویش‌ها و نگرانی‌های زن و مرد با ازدواج کاهش می‌یابد چون با تکیه کردن بر هم به امنیت خاطر می‌رسند به‌طوری‌که حمایت روانی حاصل از ازدواج نسبت به دیگر روابط انسانی از عمق بیشتری برخوردار است (سالاری، یونسی، شریفی‌نیا و غروی، ۱۳۹۲).

با بروز مشکلات تعارضات افزایش می‌یابد و موجب اختلافات زناشویی می‌شود، درحالی‌که خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی در نتیجه‌ی اعتماد و توکل به خدا و وعده‌های الهی به وجود می‌آید. خداوند در قرآن برای ایجاد مثبت‌نگری نسبت به حوادث جهان، افکار، سخنان و رفتار انسان‌ها، توجه فردی را که با مشکل مواجه است به سمت خوبی‌ها سوق می‌دهد تا از رنج او کاسته شود. این نوع نگاه به حوادث ناخوشایند پیش آمده، موجب آرامش می‌گردد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيجعلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا». (نساء: ۱۹)؛^۳ «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ إِمَّا نَكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ* وَلَيْسَتُغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (نور: ۳۲-۳۳).^۴

برشاید (۲۰۱۰) معتقد است برای رسیدن به آرامش در این نوع عشق، ایثار و گذشت لازمه‌ی اصلی رابطه است. قرآن کریم نیز این ویژگی را به‌صورت نصیحت کردن در مقابل خطای رفتاری همسر عنوان می‌کند: «...وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ». (یوسف: ۲۹).^۵ این آیه شرح حال عزیز مصر است که با وجود اینکه همسرش زلیخا کار بسیار شنیعی انجام داده بود به او گفت برای گناه خود از خدا آمرزش بخواه و با وجود خشم اقدامی انجام نداد و پرخاشگری نکرد (بارباز اصفهانی، ص ۳۷). همچنین، در جای دیگری از قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ مِنْكُمْ أَزْوَاجٌ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا

^۱ «او از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برایتان آفرید تا کنار آنان آرامش یابید و میان شما دلبستگی پدیدار و مهر پدید آورد؛ بی‌گمان در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند».

^۲ «اوست که شما را از تنی یگانه آفرید و از (خود) او همسرش را پدید آورد تا بدو آرامش یابد و چون با او آمیزش کرد، همسرش باری سبک برگرفت آنگاه (چندی) با او به سر آورد تا چون گرانبار شد، خداوند- پروردگارشان- را خواندند که: اگر به ما (فرزند) شایسته‌ای بدهی به یقین از سپاسگزاران خواهیم بود».

^۳ «ای مؤمنان! با آنان (زنان) شایسته رفتار کنید و اگر ایشان را نمی‌پسندید (بدانید) بسا چیزی را ناپسند می‌دارید و خداوند در آن خیری بسیار نهاده است».

^۴ «و بی‌همسران (آزاد) و بردگان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید، اگر نادار باشند خداوند از بخشش خویش به آنان بی‌نیازی می‌دهد و خداوند نعمت گستره داناست؛ و کسانی که (توان) زناشویی نمی‌یابند باید خویشنداری کنند تا خداوند به آنان از بخشش خویش بی‌نیازی دهد...».

^۵ «... (ای زن!) تو نیز برای گناهات آمرزش بخواه که تو بی‌گمان از خطاکاران بوده‌ای».

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴)^۱. در این آیه خداوند فرموده: عفو در برابر بدی، تنفر و کینه را به محبت و صمیمیت تبدیل می‌کند که «عفو» تجویز شده در این آیه یعنی زایل کردن گناه کسی و نادیده گرفتن آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۷۴)؛ و صفح یعنی ترک ملامت و از عفو بلیغ‌تر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۸۶).

۷-۲- اعتماد

در نهایت سومین ویژگی اساسی عشق مصاحبتی از دیدگاه گرات و فریز (۱۹۹۴)، عشق همراه با اعتماد است. اعتماد یعنی احساس امنیت به تکیه‌گاه بدون شرط و دوست داشتن و دوست داشته شدن غیر مشروط.

یکی از مقدمات اعتمادسازی بین دو نفر رازداری است و حفظ اسرار در رابطه‌ی زناشویی اهمیتی دوچندان دارد. خداوند در قرآن کریم زن و مرد را به لباس یکدیگر تشبیه کرده است: «... هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ..» (بقره: ۱۸۷)^۲؛ تا همان‌گونه که لباس عیوب انسان را از دیده‌ها می‌پوشاند، زن و مرد هم متوجه باشند که باید عیب یکدیگر را بپوشانند و این همان اصل رازداری برای زن و شوهر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۱-۴۶۰). برداشت دیگری که از واژه‌ی لباس می‌شود اینکه بین لباس و کسی که آن لباس را پوشیده رابطه‌ای تنگاتنگ است.

در جای دیگر قرآن آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْذُوا بِطَانَةٍ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ...» (آل عمران: ۱۱۸)^۳.

واژه‌ی «بطانه» در اصل به معنای آستر است که از خود لباس به بدن نزدیک‌تر است. چون آستر لباس بر بدن انسان اشراق دارد و عیوب و زیبایی‌ها در آن مخفی است، همسر نیز به معنی محرم اسرار است در این آیه شریفه، "ولیجه" (خویشاوند نزدیک) را "بطانه" (آستر) نامیده و وجهش این است که آستر به پوست بدن نزدیک است تا رویه لباس. چون آستر لباس بر باطن انسان اشراق و اطلاع دارد و می‌داند که آدمی در زیر لباس چه پنهان کرده، خویشاوند آدمی هم همین‌طور است، از بیگانگان به آدمی نزدیک‌تر و به اسرار آدمی واقف‌تر است. از آنجایی که همسر از هر خویشاوند نزدیکی به شخص نزدیک‌تر است می‌توان این آیه را نیز مصداقی از ویژگی‌های لازم در ایجاد عشق همسران شمرد.

در جای دیگر قرآن رازداری زوجین به طور اخص مطرح گردیده است: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنَ أَنْبَاكَ هَٰذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (تحریم: ۳)^۴.

^۱ «ای مؤمنان! برخی از همسران و فرزندان دشمن شما را پس، از آنان دوری گزینید و اگر در گذرید و ببخشاید و چشم پوشید بی‌گمان خداوند (نیز) آمرزنده‌ای بخشاینده است.»

^۲ «...آنها جامه‌ی شما و شما جامه‌ی آنهاید...».

^۳ «ای مؤمنان! کسانی از غیر خودتان را محرم راز مگیرید که از هیچ تباهی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و دوست می‌دارند شما در سختی به سر برید.»

^۴ «و آنگاه که پیامبر به یکی از همسرانش سخنی را، نهانی گفت و چون او آن را (به همسر دیگر) خبر داد و خداوند پیامبر را از آن آگاه کرد وی بخشی از آن را (به همسران خود) گفت و در (گفتن) بخشی دیگر خودداری ورزید، پس هنگامی که (پیامبر) آن (همسر رازگشا) را از این (امر) باخبر ساخت (همسر) گفت: چه کسی تو را از این (رازگشایی من) آگاه کرد؟ (پیامبر) گفت: خداوند دانای آگاه مرا با خبر ساخت.»

خداوند در این آیه الگویی از رفتار پیامبر (ص) برای ما فراهم آورده است که رسول اکرم (ص) حتی وقتی همسرش راز او را فاش کرد و خدا پیغمبر را مطلع ساخت باز هم با او بدرفتاری نکرد. می توان گفت زن و شوهر برای یکدیگر چون لباس هستند. خاصیت لباس این است که فرد را از آسیب ها حفظ می کند و عیوب وی را می پوشاند و باعث آبرو و زیبایی بیشتر او می شود (سالاری و همکاران، ۱۳۹۲).

از طرفی، در روابط زناشویی عفت داشتن از طرف همسران اعتماد آن ها را به یکدیگر افزایش می دهد. در قرآن توصیه ها و راهکارهایی در این خصوص آمده است از جمله: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ*» وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْآرِبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...» (نور: ۳۰-۳۱)؛ «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

مورد دیگری که اعتماد طرفین را تقویت می کند وفای به عهد و پیمان است. در قرآن از ازدواج به عنوان «پیمان محکم» یاد شده است: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء: ۲۱).

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر تطبیق ویژگی های عشق مصاحبتی (به عنوان والاترین عشق مرتبط باکیفیت زندگی زناشویی) با آیات قرآن کریم بود. بر اساس آنچه در مقدمه بیان شد، عشق مصاحبتی، عشقی بر مبنای دوست داشتن عمیق فردی است که زندگی انسان با او درهم تنیده است. برخلاف عشق خیال انگیز که تجمعی از احساسات منفی و مثبت است، این نوع عشق با احساسات مثبت و متعادل همراه است و احساسات منفی در آن کمترین حالت ممکن است (برهم، ۴، ۱۹۸۵). همچنین پایه ی اصلی آن، همراهی و مشارکت، احترام به طرف مقابل، تحسین، بخشش، اعتماد بین فردی و پاداش است (استرنبرگ، ۱۹۸۸). همان گونه که در بخش یافته ها مشهود است، قرآن کریم برای تک تک صفات این عشق توصیه هایی مطرح کرده است.

^۱ «به مردان مؤمن بگو دیدگان (از نگاه حرام) فرو دارند و پاکدامنی ورزند، این برای آنان پاک تر است، بی گمان خداوند از آنچه می کنند آگاه است. و به زنان مؤمن بگو دیدگان (از نگاه حرام) فرو دارند و پاکدامنی ورزند و زیور خود را آشکار نگردانند مگر آنچه از آن، که خود پیدا است و باید روسری هایشان را بر گریبان خویش افکنند و زیور خود را آشکار نگردانند جز بر شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان (هم آیین) شان یا کنیزهایشان یا مردان وابسته ای که نیاز (به زن) ندارند یا کودکانی که از شرمگاه های زنان آگاهی ندارند و چنان پا نکوبند که آنچه از زیورشان پوشیده می دارند آشکار گردد...».

^۲ «ای زنان پیامبر! اگر پرهیزگاری ورزید همانند هیچ یک از زنان نیستید (بلکه برترید)؛ پس نرم سخن مگویید مبادا آنکه بیمار دل است به طمع افتد و (نیز) سخن به شایستگی گوید».

^۳ «و چگونه آن را باز می ستانید در حالی که با یکدیگر آمیزش کرده اید و آنان از شما پیمانی استوار، ستانده اند».

^۴ - Brehm

- در قرآن کریم صمیمیت عاطفی مرتبط با عشق مصاحبتی به صورت مودت، رحمت، بطانه و رابطه‌ی کلامی مطرح شده است.
 - همچنین قرآن کریم در رابطه با صمیمیت جنسی و جسمی، آیه‌ی واضحی به عنوان ایجاد زمان اختصاصی برای روابط زناشویی (جنسی و جسمی) را مطرح کرده است.
 - در مورد اهداف و فعالیت‌های مشترک در عشق مصاحبتی که موجب افزایش دوستی زوجین می‌گردد، اهداف اقتصادی و مشورت در امور زندگی مطرح شده است.
 - و در نهایت صفت آرامش روانی مرتبط با این نوع عشق با سکونت، گذشت، رازداری، عفت و وفای به عهد تعریف شده است.
- به‌طور کلی ویژگی‌های عشق مصاحبتی به عنوان عشق سالم با توصیه‌های قرآن کریم برای بهبود زندگی زناشویی تطبیق کامل دارد و این امر مؤید آن است که با تفکر، تأمل، مطالعه و بررسی عمیق آیات قرآن، می‌توان راهنمایی‌های ارزشمند و عملیاتی برای زندگی زناشویی و روابط بین فردی استخراج کرد. راهکارهای عملیاتی که می‌تواند در غالب بسته‌های درمانی روان‌شناختی به کل جامعه‌ی مسلمانان و غیرمسلمانان ارائه شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با روش‌های پژوهشی دقیق‌تر این ویژگی‌ها بررسی گردد و بسته‌های درمانی تدوین شود.

منابع

- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۳۸۸). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ارشدی، نسرين و آقامحمدی، سمیه (۱۳۹۵). *ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس عشق مصاحبتی*، مجموعه مقالات سومین کنگره‌ی ملی روان‌شناسی اجتماعی، تهران: انجمن روان‌شناسی اجتماعی.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). *روانشناسی شادی*، ترجمه‌ی گوهری انارکی و همکاران، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- آقامحمدی، سمیه (۱۳۹۵). *طراحی و آزمون الگوی از پیشایندها و پیامدهای انواع عشق در کارکنان متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه دکتری رشته روان‌شناسی عمومی، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- اولیاء، نرگس، فاتحی زاده، مریم، بهرامی، فاطمه (۱۳۸۸). *آموزش غنی سازی زندگی زناشویی*، تهران: نشر دانش.
- بارباز اصفهانی، نجمه (۱۳۹۳). *اصول مدیریت خانواده از منظر دانش مشاوره و اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*، محقق و مصحح: جلال‌الدین محدث، قم: دارکتب الاسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
- خمسه، اکرم، حسینیان، سیمین (۱۳۸۷). *بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متاهل*، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۱، ۳۵-۵۲.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق، بیروت: دارالعلم دارالشامیه.
- سالاری فر، محمد رضا؛ یونسی، جلال؛ شریفی نیا، محمد حسین؛ غروی، محمد (۱۳۹۲). *مبانی و ساختار «زوج درمانی اسلامی»*، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روانشناسی، ۷(۱)، ۳۷-۶۸.
- سیدبن قطب (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت: دارالشروق.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: نشر جامعه مدرسین.
- علمایی، نسیم (۱۳۹۰). *مهارت های ارتباطی در قرآن و روان شناسی*، اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی* (طه - اسلامیة)، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرمحمد صادقی، مهدی (۱۳۸۸). *ازدواج: آموزش پیش از ازدواج*، اصفهان، پیغام دانش: سازمان بهزیستی، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، چاپ اول.
- Barnes, G. (1998). Family therapy in changing times: Basic Texts in counselling and psychotherapy. New York, NY, USA: wiley.
- Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. Annual review of psychology, 61, 1-25.
- Fehr, B. (1994). Prototype-based assessment of laypeople's views of love. *Personal Relationships*, 1(4), 309-331.
- Fehr, B., & Russell, J. A. (1991). The concept of love viewed from a prototype perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(3), 425.
- Gottman, J. M. (1999). The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy. New York: Norton.
- Grote, N. K., & Frieze, I. H. (1994). The measurement of friendship-based love in intimate relationships. *Personal Relationships*, 1(3), 275-300.
- Hatfield, E., Rapson, R. L. (2002). Passionate love and sexual desire. In Vanglisti, N. and et al (Eds). *Handbook of cultural psychology*, 306-324.
- Murstein, B. I. (1988). A taxonomy of love. In R. J. Sternberg & M. L. Barnes (Eds.), the *psychology of love* (pp. 13-37). New Haven, CT: Yale University Press.
- Regan, P. C. (1998). Of lust and love: Beliefs about the role of sexual desire in romantic relationships. *Personal Relationships*, 5(2), 139-157.
- Reis, H. T., & Shaver, P. (1988). Intimacy as an interpersonal process. *Handbook of personal relationships*, 24(3), 367-389.
- Sprecher, S., & Regan, P. C. (1998). Passionate and companionate love in courting and young married couples. *Sociological Inquiry*, 68(2), 163-185.
- TenHouten, W.D. (2007). A General Theory of Emotions and social life. London, UK: Rutledge.
- Waterfield, R. (2001). *Plato Symposium*. New York: Oxford University Press.